

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دادرسی کیفری و عارض شدن جنون
پس از ارتکاب جرم

دکتر حجت الله فتعی

دکتر جواد طهماسبی

عنوان فرارoadی	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	دادرسی کیفری و عارض شدن جنون پس از ارتکاب جرم/ پژوهشگاه قوه قضاییه.
مشخصات نشر	تهران: قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۰۶ ص، ۱۹×۵/۹ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۷۰۶-۹۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	جنون (حقوق) -- ایران
موضوع	Insanity (Law) -- Iran
موضوع	حقوق جزا -- ایران
موضوع	Criminal law -- Iran
موضوع	حقوق جزا (فقه) -- ایران
موضوع	Crime law (Islamic law) -- Iran
شعبه رده	پژوهشگاه قوه قضاییه
شناسه از	ایران، قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات
رده بندی کنگره	KMH2884/25 13
رده بندی دیویی	344.094
شماره کتابشناسی ملی	2404

وبسایت: www.jpri.ir کدبستی: ۱۹۸۳۸۴۶۵۴

تلفکس: ۰۲۱-۲۲۰۹۲۰۶۱



نشانی: بزرگراه چمران، بزرگراه یاد سار امام، بعد از خروجی اوین درکه،

پژوهشگاه قوه قضاییه

مرکز مطبوعات و انتشارات
قوه قضاییه

عنوان: دادرسی کیفری و عارض شدن جنون پس از ارتکاب جرم

نویسنده: دکتر حجت‌الله فتحی، دکتر جواد طهماسبی

ناظر علمی: دکتر عبدالعلی توجیهی، ابراهیم زارع

قیمت: ۶۰,۰۰۰ ریال

ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه

تیراژ و نوبت چاپ: ۱۰۰۰ نسخه، اول ۱۳۹۵

تلفن مرکز پخش: ۱۹-۶۶۴۸۶۱۱۵-۰۲۱ و ۰۲۱-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

فهرست مطالب

چکیده

مقدمه

فصل اول: عروض جنون پس از ارتکاب جرم در آیینہ تقنین

۱. مبحث اول: قواعد ۱
۱. گفتار اول: قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ ۱
۳. گفتار دوم: قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ۳
- گفتار سوم: قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ ۴
۷. گفتار چهارم: قانون مجازات اسلامی ۱۳۸۲ ۷
۸. گفتار پنجم: قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ۸
- مبحث دوم: مقایسه و تطبیق تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا با تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ با اصلاحیه سال ۹۴ ۱۱
۱۱. گفتار اول: عدم سقوط حد با عروض جنون بعد از قطعیت حکم ۱۱
- گفتار دوم: تأخیر محاکمه متهم در صورت عارض شدن جنون قبل از قطعی شدن حکم در جرایم حدی حق‌اللهی ۱۱
- گفتار سوم: محاکمه متهم در صورت عارض شدن جنون قبل از قطعی شدن حکم در جرایم حق‌الناسی ۱۲
۱۵. مبحث سوم: ملاحظه حقوق دفاعی متهم ۱۵
۱۶. ۱- حق حضور ۱۶

- ۲- حق تفهیم اتهام..... ۱۸
- ۳- حق جرح شاهد..... ۲۰
- ۴- حق اطلاع از جرح شاهد..... ۲۱
- ۵- حق سؤال از شهود..... ۲۱
- ۶- حق اطلاع از حقوق مربوط به فرایند دادرسی..... ۲۲
- ۷- حق بهره‌مندی از میانجیگری..... ۲۲
- ۸- حق خورداری از تعلیق تعقیب..... ۲۴
- ۹- حق اعتراض به محرمانه بودن اوراق پرونده..... ۲۴
- ۱۰- حق خورداری از آخرین دفاع..... ۲۵
- ۱۱- حق اعتراض به قرارهای بازپرس..... ۲۶
- ۱۲- حق رد دادرسی..... ۲۶
- ۱۳- حق اعتراض به رای..... ۲۷
- ۱۴- حق برخورداری از تسری در برابر قانون..... ۲۷

فصل دوم: مبانی فقهی محاکمه متهم بعد از عروض جنون

- مبحث اول: بیان اقوال..... ۳۷
- گفتار اول: قول به محاکمه متهم..... ۳۷
- ۱- قول به محاکمه بالملازمه..... ۳۷
- ۲- قول به محاکمه به صراحت (به‌طور مستقیم نه به ملازمه)..... ۴۰
- گفتار دوم: قول به عدم محاکمه..... ۴۲
- ۱- عدم محاکمه متهم بالملازمه..... ۴۲
- ۲- عدم محاکمه به صراحت (به‌طور مستقیم و نه به ملازمه)..... ۴۵
- ۳- احتیاط..... ۴۸

۵۰	مبحث دوم: بررسی و نقد اقوال
۵۰	گفتار اول: دلیل قول اول (محاكمه متهم)
۵۶	گفتار دوم: دلیل قول دوم (عدم محاكمه)
۵۶	۱- عدم محاكمه بالملازمه
۵۸	۲- عدم محاكمه به صراحت
۵۹	گفتار سوم: دلیل قول سوم (احتياط)
۵۹	گفتار چهارم: جمع بندی اقوال

فصل سوم: تكليف محاكم در رسيدگی

۷۵	نتيجه گیری و پيشنهادهای
۷۹	منابع و مأخذ

حکیده

در قوانین کیفری ایران قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۱۰۲، عارض شدن جنون بعد از ارتکاب جرم موجب توقف تعقیب و محاکمه می‌گردید و برای اولین بار در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بین حدودی که جنبه حق الناسی آن غالب است و نیز بین مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی آن غلبه دارد تفصیل داده شد و در جرایم دسته اول عارض شدن جنون بعد از ارتکاب جرم از موارد تأخیر تعقیب و محاکمه دانسته شد ولی عارض شدن جنون بعد از ارتکاب جرم در جرایم دسته دوم مانع تعقیب و محاکمه دانسته نشد. در تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در همه مواردی که به اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند، مانع از تعقیب و رسیدگی دانسته نشد که در این صورت به جرایم حق الناسی محدود گشت، ولی با این حال در اینکه آیا متهم در حال جنون محاکمه می‌شود یا خیر دارای ابهام است.

از جهت ملاحظات حقوقی به دلایل مختلف از جمله عدم امکان دفاع و تفهیم اتهام، محاکمه متهم در حال جنون قابل

دفاع نیست همانگونه که به اعتقاد اکثر فقها، به دلایل متعدد از جمله نبود دلیل بر محاکمه در حال جنون، ارتکاز عقلی، قاعده درء و قاعده احتیاط در دماء و اعراض و اموال، محاکمه متهم در حال جنون صحیح نیست و محاکمه وی تا زمان افاقه، به تأخیر می افتد.

مقدمه

آن زمان که پیامبر رحمت، عطوفت و مهربانی حضرت
 حماد (ص) فرمودند: «رَفَعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى
 يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ الطِّفْلِ حَتَّى يَخْتَلِمَ»^۱
 قلم تکلیف از خوابیده تا بیدار شدنش، از مجنون تا خوب
 شدنش و از ناپالم تا زمان بلوغاش برداشته شده است، آنان
 که امروز در بسیاری از موارد متأثر از آموزه‌های فقه اسلام،
 اصولی را برای دادرسی‌های دفری تبیین کرده و مدعی‌اند که
 عدم رعایت این اصول باعث نقض حقوق بشر است، در محاکمات
 خود، خوک، تبر، مجنون، عاقل، شیر و کبیر را به یک نحو
 مسئول می‌دانستند و مجازات می‌کردند.^۲ امروزه در بین تمام
 جوامع، صحبت کردن از مسئولیت مجنون به تعقیب وی شاید
 قدری دور از ذهن باشد، به طریق اولی دیدگاه فقه اسلامی

۱- مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، القاهرة، دارالاحرف،
 ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص: ۱۹۴.

۲- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۳، ص ۳ و نیز رک:
 ام‌بواریه، «خصوصیات مسئولیت جزایی در جوامع باستانی»، «مجله
 کانون وکلا»، ش ۹۳، ص ۹۶.

نسبت به این مسأله قدری لطیف‌تر و دقیق‌تر است. با توجه به حقوقی که متهم در فرایند دادرسی دارد، ممنوعیت تعقیب متهم نه تنها ناظر به جنون در زمان ارتکاب جرم بلکه جنون پس از آن را نیز شامل می‌شود، زیرا پیچیدگی‌های دادرسی کیفری و رعایت حقوق متهم در فرایند دادرسی، تکالیفی را بر عهده سیستم قضایی می‌گذارد که نادیده گرفتن آن موجب تضییع حق وی می‌شود. بر این اساس گفته شده است: «اگر جنون در تمام تعقیب یا محاکمه عارض گردد، در این صورت از این جهت که ممکن است به دفاع از خود قادر نباشد او را به بیمارستان می‌فرستند و پس از بهبودی به تعقیب یا محاکمه‌اش می‌پردازند». موضوع گزارش حاضر، بررسی امکان یا عدم امکان تعقیب و محاکمه فردی است که در زمان ارتکاب جرم عاقل بوده اما پس از آن پیش از صدور حکم قطعی، جنون بر او عارض شده است. هر چند به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان تعقیب فردی که پس از ارتکاب جرم، جنون بر او عارض شده، باطل گردیده است اما این مسأله از نظر فقهی قابل بحث و از نظر اصول حقوق کیفری نیز با ایراد جدی مواجه است.

یک روان‌شناس به نام لرد بلاک بورن^۱ در خصوص تعریف جنون می‌گوید: «من همه تعاریفی که برای جنون تا به حال نوشته‌اند، خوانده‌ام و هرچه سعی کرده‌ام تعریفی جامع و مانع برای جنون پیدا کنم موفق نشده‌ام، عقیده من این است که سر قادر نخواهد بود تعریفی کامل برای جنون پیدا کند.^۲»

پیچیدگی مسأله جنون اختصاص به علم روانپزشکی ندارد، بلکه در حوزه حقوق نیز مسأله تشخیص جنون و احکام حقوقی آن با گستردگی و پیچیدگی خاصی مواجه است. در وهله نخست باید متذکر شد که تشخیص جنون در حقوق با روانپزشکی متفاوت است، زیرا معیارها و اهداف صرف این عارضه در هر یک از این علوم کاملاً مجزاً است. در روانپزشکی «علت و علائم امراض روانی» مهم است. بر همین اساس اختلالات روانی را طبقه‌بندی می‌کنند تا با توجه به علت و علائم خاص هر نوع از این امراض، ماهیت این اختلالات شناسایی و نسبت به اجرای برنامه‌های درمانی مخصوص به آن نوع اختلال اقدام شود، در صورتی که

۱- Lord Black burn

۲- هومن، احمد، «بیماری‌های روانی در دادگاه‌های کیفری ایران»، «مجله کانون وکلا»، ش ۹۵، ۱۳۴۴، ص ۲۰.

۳- بنا به اعلام سازمان بهداشت جهانی، امراض یا اختلالات روانی در پنج طبقه و ۱۶ نوع اختلال دسته‌بندی شده‌اند.

(Diagnostic and Statistical Manual = DSM)

در حقوق، معیار تشخیص جنون «اختلال در قوه تمیز و ادراک» شخص است.

گرچه برای تعریف و شناخت حالت جنون، ضابطه و معیار مشخصی وجود ندارد، به نحوی که گفته شده است جنون قابل تعریف نیست؛^۱ اما جنون را معمولاً اختلال روانی یا «از خود بیگانگی» می‌خوانند.^۲ در قانون ما هیچ‌گاه تعریفی از جنون ارائه نشده است در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ قانونگذار در ماده ۳۰ اینک که تعریفی از جنون ارائه دهد، در قسمت الف بند ۳۰ مقرر داشته بود که: «هرگاه محرز شود مرتکب جرم، حین ارتکاب به دلیل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور بوده یا به اختلال ام‌فرد مبتلای یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد.» در این ماده برخلاف ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ماده ۲۷ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که تنها به واژه «جنون» اکتفا شده بود، مبنای برای احراز جنون ارائه می‌دهد و آن معیار عبارت است از «تخلل در قوه تمیز و ادراک» اختلال تام در قوه تمیز». ملاحظه می‌شود که قانونگذار در

۱- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۲، ص ۵۰۱.

۲- جعفری، شهناز، «تأثیر اختلالات روانی در مسئولیت کیفری»، «مجله

تعالی حقوق»، ش ۴، ۱۳۸۹، ص ۶۱.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در ماده ۱۴۹ با تأکید بر عبارت «دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد...»، همانند قانون ۱۳۵۲ معیار جنون را فقدان قوه تمییز یا اراده می‌داند. بنابراین انواعی از اختلالات روانی که قوه تمییز و اراده فرد را متأثر سازند، به نحوی که قصد قصد و ادراک باشد از نظر حقوقی، جنون محسوب می‌شوند. هرگاه در مقررات قانونی اشاره‌ای به «جنون» شده است، افراد دچار این نوع از اختلالات روانی، باید مشمول آن مقررات محسوب گردند.

گسترده‌گی احکام حقه، مربوط به مسأله جنون، به حدی است که در قوانین مختلف، مدنی، ثبتی، اداری، کیفری و ... جامعه شاهد وضع مقررات خاص در مورد آن می‌باشد. این گزارش درصدد بررسی مفهوم جنون یا احکام مدنی یا کیفری آن نیست و تنها یک مسأله مورد نظر است. آن اینکه اگر فرد مرتکب جرم در زمان ارتکاب، عاقل باشد پس از آن یعنی در زمان تعقیب یا دادرسی، جنون بر او عارض شده است، حکم قانون چیست و اقدام قضایی صحیح در این وضعیت کدام است؟ تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکم قانون در این خصوص واضح بود. به موجب تبصره ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ «هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.»

با عنایت به اطلاق عبارت «قبل از صدور حکم» مقررات این تبصره در تمام فرایند دادرسی یعنی از ابتدای تعقیب تا صدور حکم قطعی حاکمیت داشت. پیش از آن نیز ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱^۱ جنون متهم را به طور مطلق، اعم از آن که مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون بوده یا پس از آن جنون بر وی عارض می شد را از موارد موقوفی تعقیب می دانست. در هر دو صورت قانون مشخص کرده بود که تحقیق از شخص مجنون صحیح نبوده و باید به طور موقت ترک شود. این مسأله در ماده ۸۹ قانون مذکور نیز مورد تأکید قرار گرفته بود. با توجه به اینکه فرد مجنون برین دافع از خود را ندارد نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم به معنی غرضی و جابجایی از اصول مهم حاکم بر دادرسی های کیفری است. بنابراین از این حیث ایرادی به مقررات مورد اشاره وارد نبود. قانونگذار به موجب ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویکرد اساسی در خصوص این مورد اتخاذ کرده است، به نحوی که کاملاً با رویکرد یکصد سال گذشته متفاوت می باشد. تبصره ۱ این ماده مقرر می گزیند است: «هرگاه مرتکب یکی از جرایم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. در صورت عارض

۱- گرچه در بسیاری از موارد این قانون مصوب ۱۲۹۰ معرفی شده، اما

تاریخ صحیح تصویب آن ۱۲۹۱/۵/۳۰ است.

شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. در مورد مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.»

در مورد دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم با توجه به اصول محاکم دادرسی‌های مدنی که در این خصوص لازم‌الرعايه^۱ است، این امر مطرح نیست، اما در خصوص جرایم و اعمال مجازات که باید طبق مقررات آیین دادرسی کیفری نسبت به جرم انتسابی به مرتکب تحت تعقیب قرار گیرد، موضوع قابل تأمل جدی است.

ممکن است مبنای سیاست باید قانون‌گذار این بوده باشد که در موارد حق‌الناس، تزاممی بین حق مجنی‌علیه و حق جانی وجود دارد و دوران امر بین رعایت حق مجنی‌علیه و حق جانی است و در این تراحم باید حق مجنی‌علیه محفوظ بماند و نباید فدای حق جانی بشود چون اصل ارتکاب جرم، توسط

۱- به موجب ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیه تابع مقررات مسئولیت مدنی است این ماده مقرر داشته است «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را ندارد.»

جانی محرز است. هرچند اصل این مبنا قابل دفاع است ولی تطبیق آن بر مصداق مورد بحث محل تأمل است زیرا اولاً هر چند فی الجمله تحقق عنصر مادی جرم، محرز است ولی انتساب جرم با همه شرایط فقهی و حقوقی آن محرز نیست و مرجب تهاجم بر دماء و اموال می شود که مطلوب شارع نیست. ثانیاً بر فرض قبول تزاحم راه حل انتخابی قانون گذار برای حل این نزاع موجب اشکال های متعدد فقهی و حقوقی می شود زیرا در ادامه خواهد آمد. ثالثاً راهکارهای مناسب تری که دارای اشکال کمی به مراتب کمتری است مانند جبران خسارت توسط بیت المال برای رفع این تزاحم قابل پیش بینی است.

این رویکرد مندرج با قانون مجازات اسلامی نبوده و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز با گستره وسیع تری مورد توجه قرار گرفته است. در لایحه پیشنهادی و ارسالی قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی تبصره ۲ ماده ۱۳ این لایحه، عیناً تکرار تبصره ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ بود، که به موجب آن در فرض مسأله تعقیب متوقف می شد،^۱ اما آنچه در تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین

۱- در مصوبه اولیه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ با اجرای آزمایشی آن موافقت شد و جهت بررسی به شورای نگهبان ارسال گردید، تبصره ۲ ماده ۱۳ عیناً همانند تبصره ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری به این صورت تصویب شده

دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تصویب شده بود به این شرح است:
«هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به

ب. «تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف می‌شود». این تبصره به شرح مندرج در نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۹۰/۱۲/۲۳ شورای محترم بهیان با این ایراد مواجه شد که: اطلاق متوقف شدن تعقیب در تبصره (۲) ماده (۱۳) در مواردی که ثابت شود مرتکب در حال ارتکاب جرم عاقل بوده است، به نحوی که اگر در حال تعقیب و صدور حکم عاقل هم به نام توانست از خود رفع اتهام کند، خلاف موازین شرع است.»

کمیسیون قضایی جهت رفع این ایراد تبصره را به این صورت تنظیم کرد «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب متوقف می‌شود مگر در مورد قذف، قصاص و دیه که حق خصوصی است چنانچه ثابت شود مرتکب در حال ارتکاب جرم، عاقل بوده و اگر در حال تعقیب و صدور حکم هم عاقل بود نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند.»

اما مجدداً به شرح نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۴۴۸ - ۱۳۶۱/۱۲ شورای نگهبان با این ایراد مواجه شد که «در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۳ همان ایراد بند ۴ این شورا که طی نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۹۰/۱۲/۲۳ اعلام شده، در مورد مستثنای کماکان به قوت خود باقی است.» سرانجام تبصره به شرح مزبور تدوین و به شورای نگهبان ارسال شد.

جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.» در اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ بخشی از تبصره به این صورت اصلاح شد: «... مگر آنکه در جرایم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که...».

این پیش‌فرض آنکه در تصرف مزبور مورد تأکید قرار گرفته که: «... مگر آنکه شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در حرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند...» ظاهراً برخلاف ادله برائت و نقض آشکار این اصل محسوب می‌شود. آیا می‌توان بیان کرد که متهم بتواند از خود دفاع کند، اصل را بر اثبات جرم و عدم امکان دفع اتهام گذاشت؟ آیا این عبارت برخلاف اصل ۳۷ قانون اساسی می‌باشد؟ علت نقض اصل برائت، خلاف موازین شرعی نیست؟ نادیده گرفتن «حقوق دفاعی متهم» چه توجیهی دارد؟ این رویکرد با آنچه در نظام حقوقی کشورمان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد نظر بوده است متفاوت می‌باشد. برای بررسی

ابعاد مختلف موضوع، لازم است ابتدا مقررات سابق عیناً مرور شود و بعد از مقایسه تبصره ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۹۲ و تبصره ۲ ماده ۱۱۳ آیین دادرسی کیفری ۹۲، موازین فقهی آن در این خصوص بررسی شده و حقوقی که متهم مجنون ممکن است در فرایند دادرسی از آنها محروم شود، بررسی خواهد شد و در انتها راهکار چگونگی اجرا و اعمال این مواد ارائه می‌شود.